

بغی از منظر فقهای حنفی، شافعی و امامیه

علی اصغر قربانی ده برزوئی^۱؛ مرتضی شیباسی^۲

چکیده

وجود حاکم در جامعه، امری بایسته است؛ زیرا نبود وی موجب هرج و مرج می‌گردد. این امر در جامعه اسلامی نیز جاری است، زیرا افزون بر نیاز به اجرای قوانین، گسترش مسائل دینی و فرهنگی از شاخصه‌های چنین جامعه‌ای است، بنابراین ضرورت حاکم در جامعه اسلامی دوچندان است. یکی از اموری که در فقه مورد توجه عالمان مسلمان قرار گرفته، مسئله «بغی» است. «بغی»، شورش مسلحانه علیه امام معصوم یا حاکم بر حق نظام اسلامی و یا خروج از حاکمیت است. تحقق بغی در جامعه، به مثابه عامل برانداز، موجب ایجاد خلل در سطح کلان می‌گردد؛ زیرا در کنار وحدت سیاسی، امنیت به عنوان ستون اصلی یک حاکمیت است و از آنجایی که هدف باغی بر هم زدن امنیت جامعه است، مقابله با او امری ضروری است. بدیهی است تقابل عالمانه نیازمند شناخت دقیق بغی است. بدین سبب نوشتار حاضر با هدف آگاهی از شاخصه‌های بغی از دیدگاه سه مذهب امامیه، حنفی و شافعی، این امر را با روش تحلیلی توصیفی، در سه ساحت کاویده است؛ نخست: شرط مقابله با باغیان؛ دوم: مصداق کسی که خروج بر او بغی محسوب می‌گردد؛ سوم: مقابله با حاکم خودخوانده.

بر اساس یافته‌های پژوهش، نوع عالمان اسلامی شروط مقابله با باغیان را پذیرفته‌اند، درباره بخش دوم نیز از منظر امامیه، مصداق مبغی علیه، امام معصوم یا نایب خاص یا عام اوست و در نظرگاه دو مذهب دیگر، حاکم جامعه منظور است. نسبت به مورد سوم نیز خروج بر چنین حاکمی از دیدگاه شیعه جایز بوده، اما عالمان اهل سنت روا نمی‌دارند.

واژگان کلیدی: بغی، باغیان، باغی، البغاه، امام، حاکم، افساد فی الارض.

^۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و پژوهش‌گر موسسه مذاهب اسلامی.

^۲. دانش‌پژوه سطح ۴ مرکز تخصصی مذاهب اسلامی